

موضوع - موزه لوور پاریس

<زاد و راحله ماندن طریق رهبر نیست>

امیرفیض- حقوقدان

بطوریکه مستحضرید حدود دوماه قبل آقای خزانی طرحی را ارائه ورهبری کردند که سبب جلوگیری از تعدی به حقوق ملی و فرهنگی ایرانیان در عملکرد موزه لور پاریس باشد. این تحریر در رابطه با پیگیری موضوع مزبور است.

انسان ها معمولا باحسن نیت و اعتقاد به حقانیت موضوع دست بکار انجام آن کار میگردند ولی گاه بمناسبت آنکه انجام آن کار خارج از ظرفیت آنها است قادر به انجام آن کار نیستند، در این حال، اگر آن شخص معتقد به روال انسانی باشد کار را نیمه تمام رها نمیکنند بلکه دیگران را به ادامه آن دعوت میکند و یا کار را به مردان قابل، احاله میدهد ولی بهرحال مردم را در ماجرا قرار میدهد.

اما اگر معتقد به روال انسانیت نباشد همینکه سنگینی کار را احساس کرد مانند حیوانی که وقتی تحمل بار سنگین را ندارد بار را از پشت خود می اندازد و فرار میکند، عمل مینماید و همانطور که حیوان، علت فرار از زیر بار را بیان نمیکند، آن افراد هم مردم را قابل ندانسته و یا مثل خود پنداشته و گزارشی به مردم نمیدهند.

فکر میکنم نمونه ای از روال انسانیت آورده شود بجا باشد.

شادروان جلال آهنگریان نویسنده کتاب سقوط شاهنشاهی ایران، با انتخاب وکیلی در آمریکا خواستار تعقیب کیفری آقای کارتر رئیس جمهوری آن کشور شد، مشکلات حقوقی بزرگی که در مقابل آهنگریان و خواسته او وجود داشت و در اوایل کارچندان مورد توجه ایشان نبود سبب شد که نتواند به خواست خود ادامه بدهد، ایشان کار را نیمه تمام رها نکرد تمام سوابق و مشکلات کارش را برای سنگر که در آن زمان طرح اعلام عام را دنبال میکرد فرستاد، و خود آهنگریان هم موضوع را در روزنامه حرکت که خود او منتشر میساخت شرح داد.

مقصود از ارائه نمونه بالا این است که کسانی که آغازگر کار اجتماعی و سیاسی میشوند و پای مردم را به میان میکشند باید به مردم گزارش پیشرفت کار و یا موانع آنرا بدهند و نمیشود مردم را بی اطلاع گذارد این افراد چون خود را وکیل مردم به حساب میآورند تکلیف دارند که به مردم حساب کار و کیفیت آنرا بدهند زیرا شکست آن ها، شکست اعتبار و شخصیت افراد <موکلین> است.

بنده که در جریان اقدامات آقای خزانی یکی دو تحریر تنظیم کرده بودم خود را لایق آن دانستم که از جریان فعالیت ایشان در رابطه با همان موزه لور و کلاهبرداری و ارتشائی که سبب تعدی به حقوق ملی و فرهنگی ما ایرانیان شده است اطلاعی کم و بیش بدست آورم که موفق نشدم، لذا لازم دیدم که با تهیه این نامه خواست خود و احتمالا دیگران را در کیفیت پیشرفت دعوا و موانع و امید هائی که به آن وابسته است تجدید نمایم

با احترام امیرفیض